

رئیس‌جمهور: دانشگاه، شریک دولت در حل مسائل کشور است

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان در نشست «چالش‌های اقتصادی ایران» با تأکید بر نقش دانشگاه‌ها در حل مسائل کشور، خواستار حرکت نظام آموزش عالی از آموزش صرف به سمت مهارت‌آموزی، تربیت نیروی انسانی مسأله‌حل‌کن و دانشگاه‌های مأموریت‌محور شد. وی با اشاره به آمادگی دولت برای واگذاری پروژه‌های مشخص به دانشگاه‌ها، بر ضرورت استفاده از ظرفیت اساتید ونجبگان در حل چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید کرد. پزشکیان همچنین شایسته‌سازی، کار تیمی و تشکیل گروه‌های میان‌رشته‌ای را لازمه حل مسائل کشور دانست.

■ ■ ■

تهران، مسکو، پکن

علیه سیاسی کاری آژانس

نمایندگی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، در واکنش به تصویب قطعنامه ضدایرانی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، این اقدام را سیاسی و فاقد رویکرد حرفه‌ای توصیف کرد.
نمایندگی ایران در پیامی اعلام کرد شورای حکام با رأیی شکستنده، قطعنامه‌ای علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران تصویب کرده که بیش از آن‌که مبتنی بر ملاحظات فنی باشد، تحت تأثیر اهداف سیاسی قرار دارد. در این پیام با انتقاد از عملکرد آژانس آمده است: این نهاد در برابر حملات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز و تحت پادمان ایران سکوت کرده و نتوانسته حتی نسبت به این اقدامات بی‌سابقه ابراز نگرانی کند.

نمایندگی کشورمان همچنین رویکرد آمریکا ک سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان را متناقض خواند و تأکید کرد: درحالی‌که از دیپلماسی سخن گفته می‌شود، همزمان سیاست فشار، تهدید و اقدامات خصمانه علیه ایران دنبال می‌شود. در همین ارتباط ایران، چین و روسیه در بیانیه‌ای مشترک قطعنامه پیشنهادی آمریکا علیه ایران در شورای حکام را دارای ماهیتی سیاسی و غیرسازنده دانستند که اوضاع شکستده کنونی را بدتر می‌کند. در ادامه این بیانیه آمده است: با هرگونه تلاش برای گمراه کردن کشورهای عضو آژانس نسبت به وضعیت واقعی برنامه هسته‌ای ایران، از جمله از طریق گزارش‌های مدیرکل مخالفیم. همچنین نماینده روسیه در وین اعلام کرد: درخواست‌ها از جمهوری اسلامی ایران برای از سرگیری فوری بازرسی‌ها به‌ویژه از سوی ایالات متحد، بریتانیا، آلمان و فرانسه که اقدامات بی‌ملاحظه آن‌ها در وهله اول منجر به این وضعیت شد کاملاً نامناسب است.
اولیاف در ادامه بیان داشت: ایالات متحده، همراه اسرائیل تأسیسات هسته‌ای ایران را که تحت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارند، در ژوئن ۲۰۲۵ و متعاقباً در فوریه-مارس ۲۰۲۶ بمباران کردند. آژانس در حال انجام فعالیت‌های بازرسی منظم در این سایت‌ها بود و هیچ نشانه‌ای از انحراف مواد هسته‌ای به‌سمت اهداف غیرمجاز ثبت نکرد.

لازم به ذکر است دیروز شورای حکام با ۲۱ رأی موافق، ۱۰ رأی ممتنع و ۳ رأی مخالف قطعنامه جدید ضدایرانی را به تصویب رساند.

■ ■ ■

رئیس مجلس: هر تجاوزی با قاطعیت پاسخ داده می‌شود

دکتر محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای در آیین گرامی‌داشت شهدای اقتدار، سالروز شهادت فرماندهان و دانشمندان و تعدادی از هموطنان مان در جنگ ۱۲ روزه

پیامی به شرح زیر صادر کرد:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ خَبَرَهُ وَيَمْهُمْ مِّنْ يَّتَقَفَرُ وَآيَةٌ لِّلَّوَالِدِيبَ.»

جنگ ۱۲ روزه و شهادت جمعی از فرماندهان، دانشمندان و مدافعان اقتدار ایران، بار دیگر خاطره سال‌های نخست انقلاب، ترورهای ناجوانمردانه و جنگ تحمیلی را در حافظه ملت ایران زنده کرد؛ روزهایی که یاران بسیاری از دست رفتند اما مسیر انقلاب و مقاومت متوقف نشد.

ملت ایران از نور ستاره‌هایی که شهیدان بر جای گذاشتند، راه خود را یافت و ثابت کرد که پیروزی در میدان اراده‌ها رقم می‌خورد. نام‌هایی چون محمد باقری، حسین سلامی، غلامعلی رشید، امیرعلی حاجی‌زاده، محمد کاظمی و سعید ایزدی در کنار دانشمندانی چون دکتر فریدون عباسی و دکتر محمد مهدی طهرانچی در تاریخ این سرزمین ماندگار خواهد ماند. ایران امروز نیز با وجود فقدان این عزیزان، مسیر خود را ادامه می‌دهد و در برابر دشمنان ایستاده است. تجربه جنگ‌های تحمیلی نشان داده راه پیروزی از دل ایستادگی و شهادت می‌گذرد و خون شهیدان ضامن استمرار این مسیر است.

هنوز چند ساعت از ادعای تازه دونالد ترامپ درباره نزدیک بودن توافق با ایران نگذشته بود که جنگنده‌ها و پهپادهای آمریکایی بار دیگر آسمان جنوب کشور را هدف تجاوز خود قرار دادند. واشنگتن این بار با استناد به ادعایی اثبات نشده درباره سقوط یک بالگرد آياچی در آب‌های خلیج فارس، حملاتی را علیه مناطقی در جاسک، سیریک و قشم انجام داد؛ حملاتی که به گفته منابع داخلی حتی زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله تأسیسات آبرسانی را نیز درگیر کرد اما پاسخ تهران تنها چند ساعت بعد از راه رسید؛ از حمله به ناوگان پنجم آمریکا در بحرین گرفته تا هدف قرار گرفتن مراکز نظامی آمریکا در اردن و سامانه‌های وابسته به ارتش آمریکا در منطقه. بدین ترتیب بار دیگر شکاف عمیق میان ادعاهای دیپلماتیک کاخ سفید و رفتار عملی آن آشکار شد، شکافی که این پرسش را پیش روی ناظران قرار داده که آیا آمریکا اساساً به دنبال توافق است یا مذاکره را به ابزاری برای پیشبرد فشار نظامی و امنیتی علیه ایران تبدیل کرده؟

براساس روایت‌های منتشرشده، ماجرا از آنجا آغاز شد که فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) مدعی شد حملات جدید خود را در واکنش به حادثه‌ای مرتبط با یک بالگرد آياچی انجام داده است؛ ادعایی که نه مستندات روشنی برای آن ارائه شد و نه از سوی منابع مستقل تأیید گردید.
باین حال، همین ادعای اثبات نشده بهانه‌ای شد تا آمریکا بار دیگر دست به اقدام نظامی علیه خاک ایران برند. در جریان این حملات، مناطقی در جنوب کشور هدف قرار گرفتند. گزارش‌های داخلی از آسیب دیدن یک دکل مخابراتی در سیریک همچنین انهدام دو مخزن آب در بخش بمانی خبر دادند؛ اتفاقی که بار دیگر این پرسش را مطرح کرد که چگونه کشوری که مدعی دفاع از حقوق بشر و امنیت بین‌المللی است، در عمل زیرساخت‌های غیرنظامی را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد که در واکنش به تجاوز آمریکا، ناوگان پنجم دریایی این کشور در بحرین هدف حمله پهپادی قرار گرفته است. همزمان ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از اجرای موجی از حملات پهپادی علیه پایگاه‌ها و سامانه‌های راداری آمریکا در منطقه خبر داد. ساعاتی بعد سپاه اعلام کرد که در ادامه عملیات مقابله به مثل، چهار هدف مهم در پایگاه هوایی الازرق اردن، از جمله مراکز فرماندهی و کنترل و آشیانه‌های جنگنده‌های آمریکایی هدف قرار گرفته‌اند.

در همین فضای پرتنش، خبر انهدام یک فروند پهپاد MQ-9 آمریکا نیز منتشر شد. سپاه اعلام کرد این پهپاد که از شمال خلیج فارس به سمت منطقه درگیری در حرکت بود، در آسمان جنوب کشور رهگیری و منهدم شده است. مجموعه این تحولات نشان می‌داد که تهران قصد ندارد تجاوزات جدید آمریکا را بی‌پاسخ بگذارد و تلاش دارد هزینه اقدامات نظامی واشنگتن را افزایش دهد.

همزمان با تحولات میدانی، جبهه سیاسی نیز فعال شد. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در پیامی صریح خطاب به آمریکا اعلام کرد

که واشنگتن پس از شکست در میدان، بار دیگر تصمیم گرفته عزم ایران را بیازماید. او هشدار داد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هیچ حمله یا تهدیدی را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت و تأکید کرد: اگر آمریکایی‌ها خواهان امنیت هستند، بهتر است منطقه را ترک کنند. عراقچی همچنین با اشاره به موقعیت حقوقی تنگه هرمز خاطرنشان کرد: این آبراه راهبردی هزاران کیلومتر از سواحل آمریکا فاصله دارد و حضور نظامی واشنگتن در آن نه تنها مشروع نیست، بلکه ذاتاً عامل تنش و بی‌ثباتی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، وزارت امور خارجه نیز با محکوم کردن تجاوز آمریکا، بار دیگر بر این اصل تأکید کرد که امنیت خلیج فارس باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دهه‌های گذشته چیزی جز ناامنی، جنگ و بی‌ثباتی برای منطقه به همراه نداشته است. اما شاید مهم‌ترین بخش ماجرا در واشنگتن رقم خورد. درست در همان زمانی که حملات نظامی آمریکا علیه جنوب ایران جریان داشت، یک مقام کاخ سفید در گفت‌وگو با رسانه‌های آمریکایی مدعی شد این تحولات تأثیری بر روند مذاکرات ندارد و توافق با ایران همچنان نزدیک است. دونالد ترامپ نیز بار دیگر همان ادعای همیشگی خود را تکرار کرد و از نزدیک بودن توافق سخن گفت. همین تناقض آشکار، کلید فهم راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران است.

مذاکره یا پوشش سیاسی برای فشار نظامی؟

آنچه امروز در رفتار آمریکا مشاهده می‌شود، بیش از آن‌که یک راهبرد دیپلماتیک باشد، تلاشی برای نهادهی نه کردن الگوی «فشار همراه با مذاکره» است؛ الگویی که در آن کاخ سفید می‌کوشد ضمن حفظ میز مذاکره، دست خود را برای تجاوزهای مقطعی، محاصره دریایی، عملیات‌های نظامی محدود و فشارهای امنیتی با نگه دارد. در چنین مدلی، مذاکره نه مسیر حل اختلاف، بلکه ابزاری برای مهار واکنش طرف مقابل و کاهش هزینه اقدامات خصمانه آمریکاست. در واقع، واشنگتن تلاش می‌کند معادله‌ای را بر منطقه تحمیل

حمله مقابل ایران به مراکز نظامی آمریکا
کمیابی روش‌های راهبردی فشار و رسانه‌ها
مناکره و تنگنا
گوشمالی آمریکا در هرمز

کند که در آن خود حق داشته باشد همزمان هم حمله کند و هم از دیپلماسی سخن بگوید. این همان الگویی است که در ماه‌های اخیر بارها مشاهده شده است؛ از تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها گرفته تا تهدیدات نظامی و اکنون حمله مستقیم به بخش‌هایی از خاک ایران. مشکل اینجاست که چنین الگویی اگر بدون پاسخ بماند، به تدریج به یک رویه تبدیل خواهد شد. طرف آمریکایی به این جمع‌بندی خواهد رسید که می‌تواند با حفظ ظاهر مذاکرات، هزینه‌های امنیتی بیشتری بر ایران تحمیل کند بی‌آن‌که بهای متناسبی بپردازد.

محاصره دریایی؛ آتش‌بسی که هرگز اجرانند

اگر بخواهیم رفتار آمریکا در هفته‌های پس از آتش‌بس را توصیف کنیم، باید گفت واشنگتن جنگ را متوقف نکرد؛ بلکه شکل آن را تغییر داد. در حالی که انتظار می‌رفت با پایان درگیری‌های مستقیم تنش‌ها کاهش یابد، آمریکا عملاً راهبرد محاصره دریایی و فشار اقتصادی علیه ایران را د رپیش گرفت. در این مدت، کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های مرتبط با ایران بارها با محدودیت، توقف یا مزاحمت مواجه شدند؛ روندی که هدف آن کاهش تجارت دریایی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و تشدید فشار بر اقتصاد کشور بود. از منظر راهبردی، محاصره دریایی چیزی کمتر از یک اقدام جنگی نیست. کشوری که مسیرهای تجاری و صادراتی طرف مقابل را هدف قرار می‌دهد، عملاً همان اهداف جنگ را از مسیر دیگری دنبال می‌کند. به همین دلیل، این پرسش جدی مطرح است که وقتی فشار اقتصادی و محدودسازی تجارت ایران ادامه دارد، اساساً از چه آتش‌بسی می‌توان سخن گفت؟

به نظر می‌رسد واشنگتن تلاش می‌کند در حالی‌که از مذاکره سخن می‌گوید، همزمان از ابزار فشار نظامی و اقتصادی نیز استفاده کند؛ راهبردی که هدف آن فرسایش توان اقتصادی ایران و کشاندن تهران به مذاکرات از موضع ضعف است. در چنین شرایطی، طولانی شدن روند مذاکرات نیز می‌تواند بخشی از همین پروژه فرسایشی تلقی

یادداشت

دکتر محمدقادی کارشناس ارشد مسائل راهبردی

چرا بازسازی قدرت اطلاعاتی ایران

یک ضرورت ملی است؟

در جهان امروز، امنیت صرفاً به معنای حفاظت از مرزها نیست؛ امنیت روانی، اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی شهروندان، همگی در زمره وظایف ذاتی دولت‌ها قرار می‌گیرند. هر حکومتی که نتواند در برابر تهدیدهای آشکار و پنهان از جامعه خود صیانت کند، به تدریج بخشی از کارآمدی راهبردی خود را از دست خواهد داد. تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد نظام بین‌الملل در حال عبور از یک مرحله‌گذار تاریخی است. بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل از کاهش تدریجی توان هم‌زونی آمریکا و شکل‌گیری ترتیبات جدید قدرت سخن می‌گویند. در چنین شرایطی، مناطق ژئوپلیتیکی حساس بیش از گذشته به میدان رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌شوند و غرب آسیا در مرکز این رقابت قرار دارد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی، ظرفیت‌های تمدنی، نفوذ منطقه‌ای و تسلط بر یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان یعنی تنگه هرمز، جایگاهی فراتر از یک بازیگر منطقه‌ای پیدا کرده است. از همین رو، هرگونه راهبرد مهار ایران صرفاً یک اختلاف دو جانبه نیست، بلکه بخشی از رقابت‌گسترده‌تر بر سر شکل‌دهی به نظم آینده جهان محسوب می‌شود.

تجربه دهه‌های گذشته نیز نشان داده فشار بر ایران تنها در قالب تحریم

نگاه

دکتر محمد هادی همایون استاد دانشگاه

جهاد خیابان؛ پدیده‌ای نوظهور در تاریخ معاصر

ما صدمین شب حضور مردم در خیابان‌ها را که آن را «جهاد خیابان» می‌نامم پشت سر گذاشتیم. به‌نظر می‌رسد این اتفاق در تاریخ، یروادای بسیار منحصر به فرد است. نه تنها از منظر حجم حضور مردمی برای پشتیبانی از یک جریان در یک کشور بلکه ابعاد آن به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت نصابی تازه در تاریخ ثبت شده. حتی اگر این پدیده را با گردهمایی بزرگ اربعین مقایسه کنیم، می‌بینیم در اربعین، جمعیتی ۲۰ تا ۳۰ میلیون در بازه‌ای ۲۰ روزه برای پشتیبانی از یک جریان در یک کشور بزرگ و شتاب‌دار، شرایط سخت میدان نبرد و سکوت‌های راهبردی که می‌توانست هر جریانی را به ناامیدی بکشاند اما مردم در تمام این وضعیت‌ها حضور داشتند و عقب‌نشینی نکردند. پیشتر نیز عرض کرده‌ام که این «خسته نشدن» موضوعی بسیار کلیدی است که از همان «بعثت» ناشی می‌شود. امام شهید ما در مورد این مردم فرمودند انبیا و عتبت میبوعوت می‌شوند، دیگر خسته نمی‌شوند چراکه اساساً «راه درست» خستگی ندارد. خستگی مربوط به زمانی است که مسیر را اشتباه می‌رویم.

در ماجرای حضرت موسی(ع) و حضرت خضر(ع) دقت

شود. از این رو، پاسخ اخیر نیروهای مسلح ایران فقط واکنشی به یک حمله نظامی نبود، بلکه تلاشی برای برهم زدن معادله‌ای بود که آمریکا در آن می‌کوشد نقش مذاکره‌کننده و اعمال‌کننده فشار را همزمان ایفا کند. پیام این پاسخ‌ها روشن است: ایران محاصره دریایی، فشار اقتصادی و اقدامات نظامی پراکنده را اجزای یک راهبرد واحد می‌داند و اجازه نخواهد داد این روند به یک واقعیت تثبیت‌شده در معادلات منطقه تبدیل شود.

ضرورت شکستن چرخه فرسایشی

نکته مهم‌تر آن است که تجربه ماه‌های گذشته نشان داده ایران در بسیاری از موارد تلاش کرده برای حفظ فضای دیپلماتیک، از اقداماتی که می‌توانست روند مذاکرات را پیچیده‌تر کند پرهیز کند اما آنچه در مقابل مشاهده شده، استفاده طرف آمریکایی از همین فضا برای افزایش فشار و تحمیل هزینه‌های جدید بوده است. این همان چرخه‌ای است که می‌تواند به تدریج به زیان منافع ملی ایران تمام شود؛ چرخه‌ای که در آن یک طرف هزینه می‌دهد و طرف دیگر همزمان از مزایای فشار و مذاکره بهره‌مند می‌شود.

از همین رو، پاسخ‌های اخیر نیروهای مسلح ایران را می‌توان تلاشی برای برهم زدن این معادله دانست. پیام اصلی این اقدامات آن است که دوران حملات کم‌هزینه و اقدامات بدون پاسخ به پایان رسیده است. هرگونه تجاوز به خاک ایران یا تهدید مستقیم منافع ملی کشور، با پاسخی مواجه خواهد شد که می‌تواند دامنه‌ای فراتر از محاسبات اولیه طراح آن داشته باشد.

بازارزدنگی در برابر دشمنی که به پیش‌بینی عادت کرده‌است

یکی از مهم‌ترین اصول بازاریزدنگی، خارج کردن خود از وضعیت پیش‌بینی‌پذیری است. دشمن زمانی دست به ماجراجویی می‌زند که تصور کند واکنش طرف مقابل را از پیش می‌داند و هزینه اقدامات خود را محاسبه کرده است. اگر این محاسبه به هم بخورد، معادله نیز تغییر می‌کند. به نظر می‌رسد آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد، حفظ همین عنصر غافلگیری و ابتکار عمل است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده هر زمان ایران در برابر فشارهای خارجی با قاطعیت و ابتکار عمل رفتار کرده، طرف مقابل ناچار به بازنگری در محاسبات خود شده است. در مقابل، هر جانشانه‌ای از تردید یا انفعال دیده، دامنه فشارها نیز افزایش یافته است. تحولات اخیر خلیج فارس را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد. آنچه امروز در جنوب کشور جریان دارد، صرفاً یک درگیری محدود نظامی نیست بلکه نبردی بر سر قواعد بازی آینده منطقه است. آمریکا می‌کوشد نظم امنیتی مطلوب خود را با ترکیبی از فشار نظامی و مذاکره تحمیل کند. در مقابل، ایران تلاش دارد نشان دهد امنیت منطقه نمی‌تواند بر پایه تهدید، تجاوز و حضور نیروهای فرامنطقه‌ای بنا شود. در چنین شرایطی، مهم‌ترین پیام رخداد‌های اخیر شاید این باشد که بازارزدنگی فقط با قدرت نظامی معیایند نمی‌کند بلکه با اراده‌ای شکل می‌گیرد که اجازه ندهد دشمن قواعد بازی را یکجانبه تعیین کند. امروز بیش از هر زمان دیگری، شکستن چرخه فشار و مذاکره همزمان و تحمیل هزینه به طراحان آن، به یکی از ضرورت‌های اصلی معادلات امنیتی منطقه تبدیل شده است.

اقتصادی یا تهدید نظامی دنبال نمی‌شود. جنگ شناختی، عملیات روانی، شبکه‌سازی رسانه‌ای، تحریک نارضایتی‌های اجتماعی، بهره‌گیری از گروه‌های نیابتی و تلاش برای اخلال در ساختار تصمیم‌سازی کشور، اجزای مکمل یک راهبرد ترکیبی هستند که هدف نهایی آن فرسایش قدرت ملی و ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت است. در چنین نبرد نابرابری، برتری میدان بیش از هر زمان دیگری به برتری اطلاعاتی وابسته است. کشوری که از اطلاعات دقیق‌تر، تحلیل عمیق‌تر و قدرت پیش‌بینی بالاتری برخوردار باشد، می‌تواند تهدیدها را پیش از تبدیل شدن به بحران شناسایی و خنثی کند. به همین دلیل، دستگاه اطلاعاتی و امنیتی نه صرفاً یک نهاد اجرایی، بلکه بخشی از زیرساخت راهبردی قدرت ملی محسوب می‌شود. امروز ملت مبعوث شده، یکی از مهم‌ترین مطالبات ملی خود را معطوف به بازسازی، تقویت و روزآمدسازی ظرفیت‌های اطلاعاتی کشور متناسب با الزامات جنگ ترکیبی می‌دانند. با توجه به شهادت وزیر مخلص اطلاعات، ضرورتی است ساختارهای اطلاعاتی بازسازی شوند و از چابکی، هماهنگی بین‌سازمانی، قدرت تحلیل راهبردی و توان نفوذ اطلاعاتی متناسب با تهدیدهای جدید برخوردار باشند. در نبرد پیچیده اخیر که با تهاجم شناختی همراه بود و مقدمه آن کودتای دی ماه و کشته‌سازی را شاهد بودیم، تأخیر در تصمیم‌گیری یا ضعف اطلاعات معتر می‌تواند هزینه‌هایی سنگین بر کشور تحمیل کند.

بفرمایید. آنجا که حضرت موسی در جست‌وجوی حضرت خضر بود و احساس سستگی کرد، به یوشع بن نون که همراه و خواهرزاده‌اش بود گفت: «لقد لقینا من سفرتنا هذا نصبا/ ما از این سفرمان رنج و خستگی دیدیم». این خستگی نشان می‌داد که مسیر را اشتباه و باید بازگردند. پس از آن، آدرس زنده‌شد و متوجه شدند در مسیر نادرست بوده‌اند. وقتی انبیا مبعوث می‌شوند، دیگر خسته نمی‌شوند؛ همان‌طور که حضرت نوح(ع) ۹۵۰ سال دعوت کرد و خسته نشد تا زمانی که دستور خداوند برای آماده‌سازی جهت طوفان صادر شد.

مردمی که در حد انبیا و به شکل بعثت قیام می‌کنند و مبعوث می‌شوند، هم از عصمت انبیا در کلیت خود برخوردارند و هم مقاومت و خستگی ناپذیری آنان را دارند. این ویژگی‌های بعثت مردم است. درواقع شما با این قاعده می‌توانید تمام آنچه را که در نتیجه بعثت انبیا قائل هستید، به بعثت مردم نیز سرایت دهید؛ این‌که مردم باید پیشقدم باشند و این تمدن را بسازند

کاملاً برعکس عمل می‌کنند. این حرکت از مردم – که اصطلاحاً «عوام» نامیده می‌شوند – شروع شده است. ما همیشه «عوام» را به معنای امری منحنط تلقی کرده‌ایم چراکه تمدن غرب، متن قابل تشخیصی ندارد.



متن کامل را در **جام جم آنلاین** بخوانید